

گزارش

احمد توکلی به جهانگیری نامه نوشت
سر نوشت مبهم فراریان مالیاتی

● احمد توکلی معتقد است: اگر ماده ۱۶۹ مکرر به‌طور کامل اجرا نشود، قوانین بسیار مهمی مانند قانون مبارزه با پول‌شویی و قانون مالیات‌های مستقیم اساسا قابل اجرا نیست. به گزارش مهر، احمد توکلی در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور، درباره اجرای ماده ۱۶۹ قانون مالیات مستقیم نوشت: اگر ماده ۱۶۹ مکرر به‌طور کامل اجرا نشود، قوانین بسیار مهمی مانند قانون مبارزه با پول‌شویی و قانون مالیات‌های مستقیم اساسا قابل اجرا نیست. در آن صورت تعهدات بین‌المللی دولت در امر مبارزه با پول‌شویی و مبارزه با تروریسم چه می‌شود؟ و راه نجات از چنبره اقتصاد مخرب نفتی بسته خواهد شد و فساد در این عرصه تشدید خواهد شد. متن کامل این نامه به شرح ذیل است: به‌دنبال کوشش رئیس محترم سازمان امور مالیاتی برای اجرای ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، توقعات نابجا، غیرقانونی و ناجفی مطرح می‌گردد تا یکی از سیاست‌های اسلامی، علمی و تجربی در مالیه عمومی را در بندو اجرای قانون متوقف سازند. به دلیل زیر دیدمان شفافیت و عدالت از ایستادگی برحق شما در این زمینه سپاسگزاریم. اگر در این عرصه خدای ناخواسته تعللی صورت گیرد، دولت فعلی و دولت‌های آینده در نجات کشور از شر چنبره فساد و پول‌شویی و آزادساختن کشور از شر اقتصاد نفتی، شکست خواهند خورد.

۱- امام‌علی علیه‌السلام می‌فرماید حق در این جهان امری دوطرفه است. هیچ حقی به سود فردی بر عهده دیگران نیست، مگر آنکه حق متناسبی برای دیگران بر عهده آن فرد وجود دارد. شفافیت که این ایام سیاست دولت و خواست مردم بر تحقق آن قرار گرفته است، حق دوسویه است. از یک سو مردم، به‌ویژه فعالان اقتصادی، صاحبان سرمایه، بازرگانان، صنعتگران صاحبان کسب‌وکار، صاحبان نیروی کار و مصرف‌کنندگان، یعنی همه آحاد ملت محتاج محیط کاملا شفاف برای فعالیت هستند تا اتخاذ تصمیمات کارا و بهینه روزهان و امکان پیش‌بینی آینده برایشان فراهم گردد. ۲- لایحه قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم را در سال ۱۳۹۱ دولت دهم تقدیم مجلس کرده است و با تلاش مجلس نهم عمده کارهای آن صورت گرفته بود و در سال ۱۳۹۴ به همت مجلس دهم و با حمایت دولت یازدهم به تصویب رسیده است. این قانون احکام شفاف‌ساز کم ندارد، ولی ماده ۱۶۹ مکرر آن، یکی از مواد مترقی و نوگانه است. این قانون است که مرکز پژوهش‌های مجلس در کمال آن بسیار کوشید. ۳- مسلما حساب بانکی افراد بخشی از اطلاعات محرمانه در زندگی و کسب‌وکارشان است که افشای آن برای اشخاص عادی بلاشک جایز نیست. محرمانه‌ماندن حساب افراد، چه از نظر اعتماد به نظام بانکی و چه از حیث محافظت مشتریان در برابر رقابت‌های احتمالا مخرب رقبا، ضرورت تام دارد؛ اما نامحرم‌بودن اشخاص عادی در این امر، با نامحرم‌دانستن مراجع قانونی کاملا متفاوت است. مراجعی که برای اعمال قانون یا حفظ منافع عمومی یا منافع افراد ذی‌حق، محتاج اطلاعات هستند؛ مانند مراجع قضائی و مراجع مالیاتی باید به‌طور کاملا شفاف تمام اطلاعات را در دسترس داشته باشند. شفاف‌نبودن موجب پنهان‌ماندن بخشی از ظرفیت مالیات‌ستانی در هر کشور است و فرار مالیاتی را ممکن می‌سازد. در ایران براساس تحقیقات انجام‌شده در مراکز متعدد تحقیقاتی داخلی و خارجی اعم از صندوق بین‌المللی پول، مرکز پژوهش‌های مجلس و تحقیقات دانشگاهی، حدود ۵۰ درصد از ظرفیت مالیاتی ایران بلااستفاده مانده است. به عبارت دیگر، تقریبا نیمی از درآمد مالیاتی برحق، به‌دلیل ناشفافی اطلاعات ستانده نمی‌شود. ۴- تجربه بشری دراین باره، درخور توجه بسیار است. با توجه به نقشی که بانک‌ها در پول‌شویی و پنهان‌ساختن درآمد واقعی افراد برای فرار مالیاتی می‌توانند بازی کنند، نزدیک به ۳۰ سال از تلاش کشورهای عضو OECD از ۳۴ عضو (کشورهای غربی به‌اضافه ژاپن، شیلی، مکزیک، ترکیه و اسرائیل) برای ترویج شفاف‌سازی اطلاعات بانکی مشتریان بین کشورهای مختلف می‌گذرد. این کشورها با وجود اهمیت بالایی که برای محرمانه‌ماندن اطلاعات بانکی افراد قائل هستند، دهه‌های طولانی است که دسترسی به این اطلاعات را (به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم) برای مراجع مالیاتی مجاز دانسته‌اند و از سال ۱۹۸۵ یعنی ۳۰ سال پیش برای شفاف‌سازی و تبادل اطلاعات بانکی بین دولت‌ها تلاش کرده‌اند. ۵- اگر ماده ۱۶۹ مکرر به‌طور کامل اجرا نشود قوانین بسیار مهمی مانند قانون مبارزه با پول‌شویی و قانون مالیات‌های مستقیم اساسا قابل اجرا نیست. در آن صورت تعهدات بین‌المللی دولت در امر مبارزه با پول‌شویی و مبارزه با تروریسم چه می‌شود؟ و راه نجات از چنبره اقتصاد مخرب نفتی بسته خواهد شد و فساد در این عرصه تشدید خواهد گردید. از معترضان به دولت باید پرسید بالاخره شما اقتصاد مقاومتی می‌خواهید یا نه اگر خواستار اقتصاد مقاومتی هستید، راهش کاستن سهم نفت است. نمی‌شود هم شعار مقاومت اقتصادی سر داد و هم به سود فراریان مالیاتی عمل کرد. به خاطر داشته باشیم که سهم کودکانی که دست در سطل‌های زباله می‌کنند در شکم‌ها و حلقوم‌های فراریان مالیاتی است. بهترین راه کمک به فقرزدایی، مالیات‌ستانی درست است و بدترین ظلم در حق آنها اجازه به عدم شفافیت و فرار مالیاتی، ۶- از نمایندگان محترم مجلس درخواست می‌کنیم از لایحه الزام به استفاده از صندوق فروش حمایت کنند و در شفاف‌ترشدن کسب‌وکار مددکار دولت باشند.

محمد مساعد: همان ابتدای گفت‌وگو به ساعتش نگاه می‌کنم و می‌گویم: «عوض کردید انگار؟» لبخند می‌زنند و می‌گویند: «بله، این آن ساعت معروف نیست. آن رولکس را ۳۵ سال پیش خریده بودم و دیگر با آن بند تولید نمی‌شود. البته این یکی هم مارک است...». این آغازی می‌شود برای گفت‌وگو با مدیر سابق بزرگ‌ترین هلدینگ زیرمجموعه صندوق بانزشتگی کشور که در آخرین روزهای سال گذشته پس از حواشی زیادی که به‌دلیل ظاهر شیک و البته تصویر ساعت گران‌قیمتش در فضای مجازی ایجاد شد، جای خود را به مدیر دیگری داد. بحث را از بحران‌های صندوق‌های بانزشتگی شروع می‌کنیم و آینده‌ای که در انتظار آنهاست. وقتی درباره اقداماتش در صندوق بانزشتگی حرف می‌زنند چشمانش می‌درخشدند و وقتی درباره حاشیه‌های ماه‌های آخر مدیریتش می‌پرسم، تلخی صدایش آشکار می‌شود. می‌گویند «من خودم بودم و چیزی را پنهان نکردم» و شاید همین نکته است که او را بدل به نمونه جالبی در مدیریت دولتی کشور می‌کند و البته دلیلی موجه برای بسیاری از مدیران که مراقب هستند هرگز تصویری دقیقی از میزان ثروتشان در رسانه‌ها منعکس نشود. «احمد رضا نیک‌کار» اصرار دارد همه آنچه را در صندوق بانزشتگی انجام داده تعریف کند و وقتی رشته حرف‌هایش را با سؤالی حاشیه‌ای یاره می‌کنم، بعد از پاسخ سریع به مسائل صندوق بانزشتگی برمی‌گردد. از هواپیمایی که رئیس‌جمهور را به نیویورک رساند می‌گویند و کمپینی که برای رونق خرید کفش ملی برپا کرده تا برنامه‌هایش برای گردشگری؛ اما در آخر با صدایی لرزان می‌گویند: شبیه باغبانی بودم که نهال‌هایم را رها کردم.

کارشناسان اقتصادی در این زمینه اتفاق نظر دارند که امروز وضعیت صندوق‌های بانزشتگی کشور بحرانی است. صندوق بانزشتگی کشور هم یکی از مهم‌ترین آنهاست.

بحران‌های صندوق‌های بانزشتگی یکی از بحران‌های فراینده در کشور هستند. دلایش هم این است که مدت‌ها هیچ توجهی به آنها نشده و افرادی که در رأس کار قرار گرفته‌اند این صندوق‌ها را حجره‌ای اداره کرده‌اند و فرصت‌های آن را ندیده‌اند. صندوق‌های بانزشتگی نه‌تنها تهدید نیستند، بلکه فرصت هستند و در این چند سال هم قسمتی از این فرصت‌ها خودشان را نشان داده‌اند. شرایط صندوق بانزشتگی کشور چند سال پیش آن‌قدر بحرانی بود که تصورش را نمی‌کنید، اما خیلی از آن تهدیدها امروز از بین رفته‌اند. چرا می‌گویم فرصت؟ چون از دل همین صندوق‌ها می‌توان صدها هزار و بلکه میلیون‌ها شغل ایجاد کرد. ایجاد شغل به سرمایه‌گذاری نیاز دارد و میزان سرمایه لازم برای ایجاد هر شغل هم در هر کشوری متفاوت است. این میزان در کشور ما هم محاسبه شده، اما فکر می‌کنم اجرای آن به‌راحتی امکان‌پذیر است. به‌دفعه به تخصص می‌نیاز دارد. اگر نگاهی کلی به وضعیت اقتصاد امروز ایران داشته باشید متوجه می‌شوید مهم‌ترین منبع تأمین حقوق هر نیروی کاری در کشور ما درآمد حاصل از نفت است، آن‌هم نه درآمدی که بر پایه محصولات نفتی شکل بگیرد، بلکه فروش نفت خام. طبیعی است که وقتی به‌دلیل تحریم‌ها چند سال بیایی نمی‌توانستیم به میزان کافی نفت بفروشیم، درآمد کافی هم نداشتیم و اکنون پس از به‌رجام از فرصت پیش‌آمده برای فروش نفت استفاده می‌کنیم، اما ایسن نمی‌تواند و نباید یک برنامه بلندمدت باشد، چه از این جهت که فروش نفت خام بهینه نیست و چه از این جهت که بالاخره تقاضای نفت هم روزی به پایان خواهد رسید. در این بین عده‌ای معتقدند باید برای واگذاری صندوق‌ها اقدام کرد که به‌طورکلی حرف درستی است، اما نه برای امروز چون ارزش معنوی بسیاری از دارایی‌های این صندوق‌ها خیلی بیشتر از ارزش مادی آنهاست. تصور کنید وقتی درباره کفش ملی حرف می‌زنیم همین اسم کفش ملی مهم‌ترین دارایی آن است، اما وقتی حرف از واگذاری می‌شود، خریداران به‌دنبال خرید این برند نخواهند بود. آنها املاک و دارایی‌های شرکت را می‌بینند و روی آن قیمت می‌گذارند و برای استفاده از آن نقشه می‌کشند، درحالی‌که اگر ما همین کفش ملی را سر پا کنیم و به‌عنوان یک شرکت تولیدی واگذار کنیم، ادامه مسیر آن متفاوت با امروز خواهد بود. کفش ملی زمانی ۳۷ کارخانه داشت و ۱۴ هزار نیرو در آن کار می‌کردند و به هفت کشور صادرات داشت، اما وقتی من به صندوق بانزشتگی رفتم با ۲۶۰ شعبه در کشور ۶۰ میلیارد تومان بدهی داشت. آن هم در شرایطی که فقط ارزش ملکی آن شعب دو هزار میلیارد تومان بود. به نظر شما واگذاری سرمایه عظیم در چنین شرایطی عاقلانه بود؟ معلوم است که نه، باید نماد کفش ملی را زنده می‌کردیم و آن فیل زیبا را که مدت‌ها خوابیده بود، بیدار می‌کردیم و ایسن کار غیرممکن نبود. همین کفش ملی گذشته با کمپین صدای پای ملی توانست بعد از مدت‌ها بیدار شود و نه‌تنها همه بدهی‌اش را

مدیرعامل سابق هلدینگ زیرمجموعه صندوق بانزشتگی در گفت‌وگو با «شرق»:

صندوق‌ها را حجره‌ای اداره می‌کنند

رئیس‌جمهور را با هواپیمایی که پیش‌تر زمین‌گیر شده بود، به نیویورک فرستادیم



پرداخت کند، بلکه به سوددهی هم برسد. ما برنامه داشتیم که با همکاری برند آرمانی بازار خاورمیانه را با طرح‌های مشترک قبضه کنیم و مذاکراتی هم با جورجو آرمانی انجام دادیم، اما حالا نمی‌دانم تکلیف آن چه شده است. من عادت کرده‌ام در ایران برای آنکه اهمیت چیزی را نشان بدهم، آن را با بشکه نفت معادل کنم. هر کفش ملی قیمتی به اندازه یک بشکه نفت داشت و هر کفشی که صادر می‌کردیم مثل این بود که یک بشکه نفت صادر کرده‌ایم. همان‌طور که جذب هر توریست به اندازه صادرات صد بشکه نفت می‌آورد و ما به‌همین دلیل سراغ بازسازی هتل‌های گردشگری‌مان رفتم و اولین فاز آن هم با همکاری هتل‌های زنجیره‌ای روتانا در اصفهان کلید خورد.

❧ در مجموع چند شرکت زیرمجموعه هلدینگ شما بود؟

پنجاه و چند شرکت زیرمجموعه هلدینگ آتیه سیاست و صندوق بانزشتگی کشوری به‌جز این، چند هلدینگ بزرگ دیگر هم دارد. اینکه می‌گویم صندوق بانزشتگی تهدید نیست و فرصت است به همین دلیل است. این مجموعه سرشار از فرصت برای توسعه اقتصادی است. اگر اینها درست مدیریت شوند، نه تنها به کمک دولت نیاز ندارند بلکه می‌توانند به دولت کمک کنند؛ به‌شرطی‌که افسران متخصص در رأس آن باشند. بگذارید مثالی بزنم؛ یک شرکت تولید سرامیک در قزوین وجود دارد که زیرمجموعه صندوق بانزشتگی است. این شرکت به اروپا صادرات سرامیک دارد اما مدیرش پزشکی با تخصص پروتز بود. چنین مدیری چه کمکی می‌تواند به آن مجموعه بکند؟

❧ اواخر سال گذشته تصویری از شما در فضای مجازی پخش شد که در آن ساعت گران‌قیمتی در دست داشتید و در مدت کوتاهی فرد دیگری جایگزین شما شد. تحت فشار قرار گرفتید؟ من خودم بودم و چیزی را پنهان نکردم. ساعتی را که در دست داشتم، مدت‌ها قبل در آمریکا خریده بودم و دلیلی برای مخفی‌کردنش نداشتم. مدیر را باید با دانستن و کارنامه‌اش سنجید. من دوره‌های پیشرفته بازرگانی را در هاروارد دیده‌ام [مدرک تحصیلی و تأییدیه دفتر حافظ منافع ایران در آمریکا را از پوشه‌ای بیرون می‌آورد و نشان می‌دهد] و در مدتی که در آتیه صبا بودم حتی یک شب هم زودتر از ساعت ۱۰ به مجموعه خارج

نشدم. من نه زننده شخصی داشتم، نه از خودروی دولتی استفاده می‌کردم، نه محل غذاخوردنم از پرسنل جدا بود، نه هیچ‌کدام از تفاوت‌های این چنینی را برای خودم قائل بودم یا به سلامت و ظاهر خودم اهمیت می‌دهم. روزی ۱۰کیلومتر می‌دوم و دوست دارم آراسته باشم. ولی بالاخره آن عکس‌ها بهانه‌ای شد برای فشار به مجموعه.

❧ مشخص شد علت انتشار آن تصاویر چه بود؟ آن رسانه متعلق به جوانی بود که بعدا با وساطت یکی از نمایندگان مطرح مجلس پیش من آمد و حلالیت هم طلبید. از چند نفر دستور داشت که این کار را بکنند و مسئله برای آنها که باید روشن شود، روشن شد، ولی دیگر من از مجموعه رفته بودم.

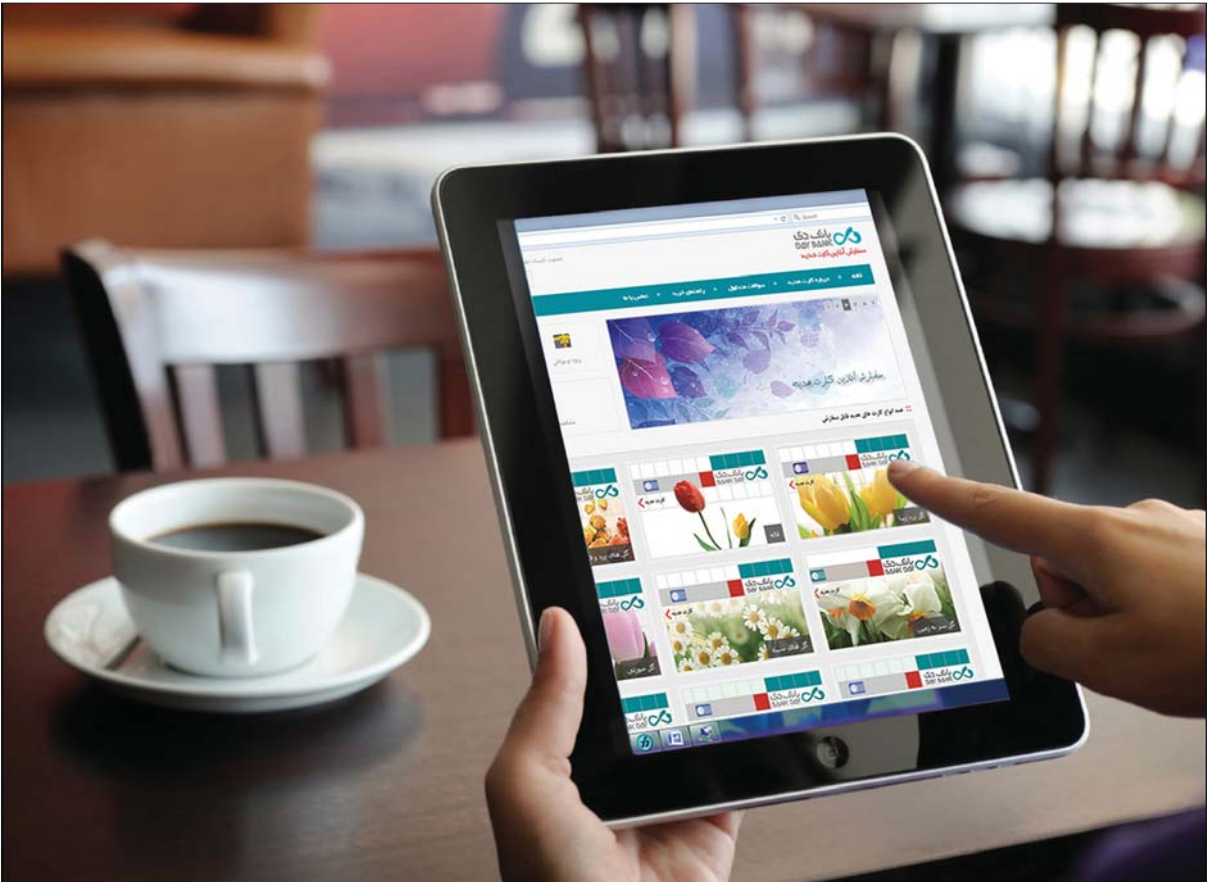
❧ به شما گفتند از مجموعه بروید؟ ترجیح دادم در آن شرایط برای کمک به مجموعه، از آن فاصله بگیرم.

❧ وزیر کار یا مدیریت صندوق با شما صحبت کردند؟

با مدیریت صندوق صحبت کردیم و نتیجه گرفتیم که جدا شوم. چند روز بعد وزیر کار را هم دیدم و مشخص بود که راضی به رفتن نبود. آقای ربیعی جزء مدیرانی است که واقعا دغدغه توسعه دارد و همه وجودش را برای کار گذاشته است و یکی از بهترین همکاری‌های حرفه‌ای‌ام همکاری با وزارت کار در دوره ایشان بود.

❧ قبل از آنکه کار به آنجا برسد کسی به شما توصیه نکرد بیشتر مراقب ظاهران باشید؟ مثلا ساعت معمولی بپندازید؟ اصلا در مخیله‌ام نمی‌گنجید ایسن موضوع مهم باشد و کسی هم توصیه‌ای به من نکرد. فکر می‌کردم تغییراتی که در صندوق بانزشتگی ایجاد شده، مهم‌تر از این حاشیه‌هاست. تصور کنید

انسانی، امکانات و قدمت زیرمجموعه‌های صندوق بانزشتگی نگاه می‌کنم معادنی از فرصت می‌بینم که می‌توانند در گوشه‌گوشه ایران تغییر ایجاد کنند. شما نمی‌توانید سهم بزرگ زیرمجموعه وزارت کار از اقتصاد کشور را نادیده بگیرید. اگر بخواهم به تک‌تک آن فرصت‌ها اشاره کنم چند روز طول می‌کشد. از پتروشیمی و نفت و گاز تا هواپیمایی و هتل و کشاورزی و البسه و... در صندوق بانزشتگی وجود دارد و هرکدامشان دنیایی از منابع برای تولید ثروت ملی هستند؛ نه تنها تولید ثروت، بلکه حل مشکلات اقتصادی دیگر مثل حل بی‌کاری. بر این معضل حل بی‌کاری تأکید دارم چون دغدغه امروز کشور و دولت هم همین است. همه اینها با دانش ممکن است؛ دانش مدیریت و دانش نیروی انسانی. شاید برایتان جالب باشد که بداند زمانی که مجموعه صندوق بانزشتگی بودم برای همه پرسنل کلاس‌های یادگیری زبان خارجه برگزار کردم چون باور دارم تا مجموعه‌ای به دانش روز مجهز نشود نمی‌تواند پیشرفت متناسب داشته باشد و اولین قدم رسیدن به دانش روز دسترسی به منابع انگیزه‌ای برای کارکردن باشد و ساختاری که افراد را براساس شایستگی‌های‌شان به‌کارگیری و به‌طور مرتب سنجش کند. دراین‌صورت است که هم نیروی انسانی و هم مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا متفاوت و بهتر از پیشینان باشند. کسانی که می‌گویند صندوق بانزشتگی یک بحران غیرقابل حل است نه تنها به فکر حل مشکل نیستند بلکه نفعشان را هم در نابودی آن می‌بینند، ولی اگر دلتان برای کشورتان می‌سوزد، اگر دغدغه دارید و اگر برایتان مهم است چه آینده‌ای در انتظار این صندوق‌هاست باید با درس‌گرفتن از اشتباهات گذشته به‌سمت تغییر واقعی در شیوه نگاه‌ها به مدیریت اقتصادی بروید. باید باور کنید جذب سرمایه‌گذاری خارجی بدون ایجاد اعتماد متقابل ممکن نیست، باید باور کنید اقتصاد غیروابسته با مدیریت حجره‌ای و باری به‌هرجهت شکل نمی‌گیرد. باید نهال‌هایی که در این صندوق کاشته شده بود، رشد کنند و توتومند شوند تا میوه‌شان را بچینیم. امیدوارم نهال‌هایی که در صندوق بانزشتگی کاشتم به‌درستی حفظ و بارور شوند. هرچند من باغبانی بودم که از نهال‌هایم جدا شدم.



انتخاب را هدیه کنید!

سفارش آنلاین کارت هدیه

بانک دی
DAY BANK
مرکز ارتباط با دی: ۰۲۱-۲۸۹۳۰
www.day24.ir
@Daybankchannel
www.instagram.com/day-bank

امکان انتخاب تحویل گیرنده کارت و

ارسال به تمامی نقاط کشور در

صورت خرید آنلاین از سامانه

www.766.ir

خبر

چتر بیمه‌ای برای ۶۰۰ هزار
قالیباف شهری و روستایی بلا تکلیف

● یک مقام مسئول بخش تعاون، از ایجاد امکانی برای شکستن صف ۶۰۰ هزار نفری برای پوشش خدمات صندوق تأمین اجتماعی در آینده نزدیک خبر داد و گفت: صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر زیرمجموعه وزارت رفاه حمایت بیمه قالیبافان باقی‌مانده را با تفاهم ایجاد‌شده پذیرفت. به گزارش فارس، موضوع بیمه قالیبافان در حالی به یکی از چالش‌های بزرگ سازمان تأمین اجتماعی بدل شده است که دولت هم منابع لازم برای تحت پوشش قرارگرفتن این قشر را پرداخت نمی‌کند. بر اساس این گزارش، هم‌اکنون بیش از ۶۰۰ هزار نفر از قالیبافان در سراسر کشور معطل اجرای دقیق قانون هستند تا از حداقل‌های قوانین حمایتی دولت بهره‌مند شوند. علاوه بر این، روزبه‌روز با افزایش مشکلات این قشر شاهد ریزش بیمه قالیبافان به بهانه‌های مختلف هستیم. در این باره عبدالله بهرامی، مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی‌های تولیدکنندگان فرش دستباف شهری و روستایی ایران پیگیری‌هایی را از سوی سازمان برنامه و بودجه کل کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی انجام داده است که در نهایت منجر به تسهیل فرایند بیمه تعدادی از قالیبافان شد، اما به دلیل کمبود منابع، این امر به‌طور کامل محقق نشده است. بهرامی در این باره در پاسخ به این سؤال که چه راهکاری برای حل مشکلات بیمه قالیبافان و صنعتگران صنایع دستی اندیشیده‌اید، گفت: مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیاز قالیبافان و دست‌اندرکاران صنایع دستی، بیمه درمان و خدمات بانزشتگی است، چراکه این قشر به دلیل سختی و مشکلات ناشی از کار، با ازکارافتادگی و بیماری‌های مختلف مواجه می‌شوند. وی افزود: بر اساس مطالعاتی که در ماه‌های گذشته در اتحادیه صورت گرفت، امکان تحت پوشش قراردادن قالیبافان در صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر استان تهران در کنار شرکت بیمه تعاون کشور مورد بررسی قرار گرفت. مدیرعامل اتحادیه سراسری تعاونی‌های تولیدکننده فرش دستباف شهری و روستایی ایران افزود: نشست‌های متعددی برای تحت پوشش قراردادن بیش از ۶۰۰ هزار قالیباف کشور برگزار و در نهایت منتج به انعقاد قراردادی با صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر شد که با مبالغ و اربزی کمتری خدمات بهتری نسبت به صندوق تأمین اجتماعی به قالیبافان ارائه کند.